



وضعیت کنونی اپوزیسیون جمهوری اسلامی

و سیاست ما!

همانطور که میدانیم اپوزیسیون جمهوری اسلامی در حالت پراکندگی و در همان حال بخشی بزرگی از آن دارای هیچ برنامه واضح و روشنی برای مقابله با رژیم نیستند. علت پراکندگی اپوزیسیون جمهوری اسلامی و ضعف آنان بیشتر به سرکوب تند رژیم و از هم پاشیدگی تشکیلات سازمانها و احزاب سیاسی در داخل کشور و تبدیل آنان بطور عام به سازمانها و تشکلات خارج کشوری بر میگردد. علت دیگر این پراکندگی که ریشه ای تر از عامل اول است در تشکل یابی و سازماندهی خود این جنبش و عملکرد و مواضعگیریهای درونی آن است. احزاب سیاسی در میهن ما بدلیل حاکمیت سالهای طولانی دیکتاتوری و سرکوب بطور عام در شرایط عدم وجود جنبش توده ای در میان گروه ها و محافل روشنفکری بوجود آمده اند. شیوه های فعالیت محفلی در میان آنها ریشه دوانیده است. حتی در گسترده ترین شکل خویش نیز قادر نبوده اند فرهنگ حزبی را پیاده نموده و پیرو نمایند و در عمل از چپ تا راست در فراز و نشیبهای تند تاریخی میهنمان و در جریان تغییر و تحولات اجتماعی از دایره تضادها و اختلافات درون تشکیلاتی دچار انشعاب و اضمحلال گشته اند و قدرت تصمیم گیری و تطبیق خویش را با شرایط رو به تحول و تازه پدیدار گشته را از دست داده اند و بطور اصولی و اساسی با مشکل بقا فیزیکی خویش روبرو بوده اند و تنها به ان فکر کرده اند.

ادامه در صفحه ۲

در این شماره ...

مقالات ...

- افق رهایی زنان در غرب کردستان (اشنویه - ح) صفحه ۲
- پایه های لرزان حاکمیت و ضعف رهبری جنبش! (حمید رضا - م) صفحه ۵
- ضرورت سازماندهی مبارزات توده ای بر علیه رژیم جمهوری اسلامی! (سالار حسامی) صفحه ۶
- در گرامیداشت قیام آذربایجان و کردستان در ۲۱ آذر ماه سال ۱۳۲۴ صفحه ۱۲

مصاحبه ...

- مصاحبه نشریه کار درباره اوضاع کردستان و روند مبارزات توده های زحمتکش کرد در سوریه با سالار حسامی صفحه ۴

ادبیات ...

- دیداری با شریف سالهای ابری (احسان حقیقی نژاد) صفحه ۹
- شعر " بیانیش " از شاعر انقلابی فدایی خلق سعید سلطانپور صفحه ۱۰

گزارشات ...

- افشای ترور مخالفان جمهوری اسلامی در سالهای اخیر از زبان وزیر اطلاعات صفحه ۱۱
- سکوت سنگین نهادهای حقوق بشری در قبال اعتصاب زندانیان سیاسی کرد صفحه ۱۲
- فراخوان حمایت از زندانیان سیاسی اعتصابی زندان ارومیه صفحه ۱۲

از میان آرشیو ...

- انتقاد و انتقاد از خود بشیوه کمونیستی صفحه ۱۴



**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی .
برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی!**

وضعیت کنونی اپوزیسیون جمهوری اسلامی و سیاست ما ...

در چنین شرایطی حتی نفوذ و اعتماد آنها در جنبش توده ای نه تنها ریشه ای نبوده بلکه برعکس به تمامی از بین رفته و جای خویش را به بی اعتمادی سپرده است . یا در بهترین حالت ممکن تا ضعیفترین شکل خویش نزول کرده است . این امر بطور کم و بیش دامنگیر تمامی سازمانهای سیاسی ایران شده است . امروزه یافتن راه حلی برای رهایی از وضعیت کنونی اپوزیسیون جمهوری اسلامی تنها کمک به رشد و گسترش جنبش اعتراضی توده ها در میهنمان نیست ، بلکه مهمتر از همه چیز پاسخ به ضرورتی است که حیات جنبش سیاسی میهن و ایجاد فرهنگ سیاسی و استقرار آن در جنبش اپوزیسیون نیز طلب میکند .

میزان پابندی به اتحاد عمل و فعالیت در راه پیشبرد وظایف انقلابی نه در سردادن شعارهای بزرگ و بی محتوا بلکه در اقدام عملی در راستای اجرای سیاستهای انقلابی است که همگی به آن معتقدند . همچنین باید در نظر داشت که عمل و پراتیک نیز بدون برنامه و تئوری واضح و روشن اتحاد را بسوی جهتی معین از سیاست خواهد کشید .

تنها جنگ بر سر الفاظ و لغات و محدود کردن آن بر روی کاغذ است که جدایی و انشعاب را امری حتمی میسازد . برای ما اگر خواهان قدرت گیری اپوزیسیون جمهوری اسلامی نه بعنوان نیرویی بی شکل و شمایل بلکه نیرویی آلترناتیو میباشیم ، بایستی پیش از هر چیز برنامه قابل اجرای چنین اپوزیسیونی را مورد بحث و ارزیابی قرار دهیم که چه میتواند باشد و برای چه میتواند باشد ؟

برنامه اپوزیسیون یک دیکتاتوری مذهبی پیش از همه چیز برنامه ای دمکراتیک

است . به معنای خاتمه دادن به دیکتاتوری و استقرار دمکراسی . این برنامه در کلیت خویش بایستی خواستها و مطالبات اساسی توده های مردم را شامل گردد .

این اصول کدامها هستند ؟

- 1- سرنگونی جمهوری اسلامی
- 2- حق توده ها در تعیین شکل حکومت از راه انتخابات آزاد
- 3- آزادیهای بی قید و شرط سیاسی
- 4- جدایی دین از دولت
- 5- برابری کامل زن و مرد در تمامی شئون زندگی اجتماعی
- 6- برسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت ملیتهای ساکن در ایران ، همچون حق آنها در انتخاب جدایی و ایجاد دولت مستقل ملی خویش .

دمکراسی در ایران تنها بر اساس این اصول و اجرا کردن بی قید و شرط آنها ممکن خواهد گردید . ما زمان از اپوزیسیون و قدرت یابی آن بحث به میان میاوریم منظورمان تنها اپوزیسیونی است که به اصول ذکر شده باور داشته و به اجرای آن متعهد باشد . این اصول برنامه ای در وحله نخست دشمنی با آن بخش از اپوزیسیون جمهوری اسلامی است که از هم اکنون سیستم حکومتی را برای مردم ایران آماده نموده اند همچون سلطنت طلبان که خواهان احیا رژیم پادشاهی در ایران میباشند و دشمنی آنها با جمهوری اسلامی به بازگشت دیکتاتوری پهلوی مرتبط گردیده است . آنها پیش از آنکه نیرویی برای آینده ایران باشند ، میراث خوار دیکتاتوری اسبق و متوهمین احیا و اعاده امتیازات از دست رفته خویش در حاکمیت دوباره بر مردم ایران هستند .

در وحله دوم نیز دشمنی با تمام آن نیروهایی

است که به نام حفظ تمامیت ارضی ایران ، حق ملیتهای ساکن در ایران بمنظور انتخاب آزادانه راه خویش را پایمال میکنند و از هم اکنون ادامه سیاست سرکوب ملیتهای تحت ستم ایران و جنگ داخلی را در فردای سرنگونی جمهوری اسلامی تدارک میبینند .

برخی جریانات لیبرال همچون بخشی از چپ لیبرال - رفرمیست بخشی از آن را شامل میگردد و سیاست ما در مقابل نیروهای اپوزیسیون جمهوری اسلامی ، از چپ تا راست ، بر اساس اصول نام برده شده تعیین میگردد .

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست با اتکا به خط مشی روشن و مشخص که حاصل جمع بندی نقاط ضعف و قدرت جنبش کمونیستی و تحلیل ارزیابی از شرایط ایران و جهان تدوین و تصویب شده اند در راه تحقق آرمان انسانی آزادی و سوسیالیسم مبارزه میکند و در تلاش است تا بتدریج با شیوه ای اصولی و انقلابی بخش های ضربه خورده سازمان را نوسازی کرده و در این راه از همه رفقای فدائی و کمونیست دعوت کرده تا به سازمان به پیوندند و انرا در راه رسیدن به آرمانهای انسانی خود یاری رسانند . سازمان فدائیان کمونیست با پیگیری روش های درست و اصولی و انقلابی کماکان در راه نوسازی سازمان ، وحدت جنبش کمونیستی ایران ، اتحاد سوسیالیستها و تمامی آزادی خواهان واقعی که برای آزادی از یوغ ستم و استثمار و زور و سرکوب مبارزه میکنند به تلاش خود ادامه خواهد داد .

افق‌رهای زنان در غرب کردستان (اشنویه - ح)

کانتونهای غرب کردستان و یا اصطلاحاً کردستان سوریه از بسیاری جهات دارای اهمیت میباشند اما یکی از مهمترین جهات اهمیت اداره امور سیاسی - اجتماعی در این منطقه که اکنون تمامی نگاهها به آن دوخته شده تصویب و اجرای قوانین دمکراتیک بخصوص در مورد زنان و کودکان است که در نوع خود در منطقه خاورمیانه کم نمونه است. چنین قوانینی را در سطح منطقه بصورت مدون در جریان تصویب قوانین مربوط به زنان در جریان اعلام جمهوریهای خودمختار کردستان و آذربایجان در سال 24 میتوان یافت. اما اکنون پس از گذشت 70 سال در غرب کردستان و انهم در یکی از مناطقی که تا دیروز زنان در کنج منازل تحت ستم مضاعف روابط مردسالارانه بودند، زنان در تمامی عرصه های سیاسی - اجتماعی و نظامی فعالانه برای دفاع از حقوق خویش و برپایی جامعه ای مبتنی بر برابری کامل زن و مرد مشارکت دارند. تصویب قانون برابری حقوق زنان و مردان در کانتون جزیره یکی از سه کانتون غرب کردستان اساسی ترین گام دمکراتیک خود مدیریتی دمکراتیک در غرب کردستان است که میتواند جنبش را در این منطقه و کل منطقه خاورمیانه به پیش برده و ریشه های فکری و فرهنگی بسط و نفوذ ارتجاع و کهنه پرستی را بخشکاند. گزاف نیست اگر گفته میشود انقلاب در غرب کردستان انقلاب زنان است. پیشرفت و شکوفایی مقاومت خیره کننده در این منطقه بدون مشارکت فعال زنان در تمامی زمینه ها تاثیرات کنونی را هیچگاه نه در این منطقه و نه در

خاورمیانه و حتی در جهان نمیتوانست داشته باشد. برای درک بیشتر مسئله و اهمیت آن قوانین مصوب در کانتون جزیره در رابطه با حقوق و وظایف اساسی زنان را برمی شماریم.

- 1- تلاش برای برچیدن تفکرات حاکمیت ارتجاعی در جامعه، رسالت هر فرد در اقلیمهای خودگردانی دمکراتیک میباشد.
- 2- برابری مابین زن و مرد در تمامی عرصه های زندگی عمومی و خصوصی.
- 3- زنان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن و کسب تمامی پست ها را دارا میباشند.
- 4- متعهد بودن به پرنسپ های اداره دمکراتیک در تمامی موسسات.
- 5- زنان حق تاسیس سازمان سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سازمان حفاظت برحق و سازمانهای دیگر مختص خود را در صورت مترادف بودن با ائتلاف اجتماعی را دارا می باشند.
- 6- حضور نماینده سازمان های زنان و سازمان های حقوق بشر به عنوان ناظر در زمان تدوین این قوانین که در زمان غیر قانونی در مجلس قانونگذاری منتشر می شود با دعوت قبلی به مجلس.
- 7- زمانی در مجلس قانونگذاری قانون ویژه زنان تصویب می شود، باید اراده زنان مدنظر قرار بگیرد.
- 8- برابری مابین زنان و مردان در حقوق کاری و قراردادی.
- 9- برابری در شهادت دادن زنان و شهادت زنان از لحاظ ارزش قانونی.
- 10- ممنوعیت ازدواج اجباری و بدون رضایت خود دختران.
- 11- مهریه کلا لغو می شود و به دلیل اینکه از لحاظ مادی هدف کالا قرار دادن زنان است و در مقابل نیز مشارکت هر دو طرف در تامین زندگی مشترک مدنظر قرار می گیرد.

- 12- عقد و ازدواج به گونه ای متمدانه.
- 13- ممنوعیت تعدد زوجین.
- 14- هر دو طرف حق طلب طلاق را دارا می باشند و اجازه داده نمیشود طلاق یک جانبه صورت پذیرد.
- 15- برابری در تقسیم تمامی مسائل مرتبط با ارث.
- 16- ممنوعیت شیربها، معاوضه زنان برای ازدواج و دادن زنان در مقابل خون.
- 17- کشتن زنان به بهانه حفظ شرف جرم محسوب می شود و از لحاظ مادی، معنوی و قانونی نیز جرم محسوب می گردد و مقتول طبق قوانین اجرام مرتبط با کشتن عمدی مجازات می شود.
- 18- اجرای مجازات شدید در مورد خیانت همسر به صورت یکسان برای طرفین.
- 19- بازرگانی کردن با زنان و کودکان به هر شیوه ممکن جرم محسوب می شود و بانیان این مسئله با مجازات شدید روبرو می شوند. (سواستفاده جنسی، کار کردن کودکان و بازرگانی با ارگانهای بدن).
- 20- خشونت تبعیض آمیز علیه زنان ممنوع می باشد و تبعیض جرم محسوب می شود و طبق قانون فردی که علیه زنان تبعیض قائل شود، مجازات می گردد و وظیفه مدیریت خودگردان دمکراتیک می باشد که انواع خشونت های تبعیض آمیز را از بین برده و از طریق مکانیزم های قانونی، خدمتگذار باشند و تامین امنیت و دفاع و علاج قربانیان خشونت نیز بر عهده آنان میباشند.
- 21- وظیفه مدیریت خودگردان دمکراتیک است که حقوق کودکان را گارانتی کرده و از هرگونه خشونت و در مقابل هرگونه بهره برداری از آنها محافظت کند.
- 22- احکام عمومی:
 - 1- تامین حقوق برابر زنان و مردان ویژه قانون جنسی.

مصاحبه نشریه کار درباره اوضاع کردستان و روند مبارزات توده های زحمتکش کرد در سوریه با رفیق سالار حسامی

کار : رفیق حسامی طی چندسال گذشته در عراق و سوریه تحولاتی رخ داده است که تأثیرات این تحولات در کردستان عراق ، ترکیه و سوریه به مطرح شدن مسئله استقلال در اقلیم کردستان ، شکل گیری کانتون های سه گانه در کردستان سوریه ، حمله نیروهای «دولت اسلامی عراق و شام» (جه کوبانی و مقاومت نیروهای مسلح مردمی و نیز تظاهرات گسترده در شهرهای کردستان ترکیه شد.

قبل از اینکه پرسش های خودمان را پیرامون تحولات فوق با شما در میان بگذاریم ابتدا برای اطلاع خوانندگان نشریه میخواستیم بصورت خلاصه مواضع سازمان پیرامون این تحولات را توضیح دهید اشاره میکنم که در سال 1389 کنگره پنجم سازمان گزارش سیاسی را تصویب کرد که در آن موقع از طرف شورای مرکزی سازمان به کنگره پنجم ارائه شده بود و در بخشی از گزارش که به منطقه مربوط بود تحلیلی ارائه شده بود که براساس آن تحلیل چنین تحولاتی قابل پیشبینی بود از طرفی کمیته کردستان سازمان هم به این کنگره قطعنامه ای پیشنهاد کرد که در آن نیز اوضاع منطقه وضعیت احزاب سیاسی و راستای همکاریهای ما با دیگر نیروها تجزیه و تحلیل شده بود و این قطعنامه هم به تصویب رسید و در این رابطه راه کارهای عملی هم پیشنهاد شده بود. سوال اول من این است که با توجه به تغییر و تحولات صورت گرفته در منطقه ، این تحلیل ها تا چه حد با روند بعدی وقایع در کردستان همخوانی داشته است ؟

پاسخ - با درود به شما و خوانندگان عزیز نشریه کار بگذارید قبل از تحلیل وضعیت تغییر و تحولات منطقه و اینکه میزان همخوانی تحلیل های گذشته را با تحولات بعدی بررسی نماییم قدری در مورد خود این تغییر و تحولات و مواضع گذشته و حال به بحث و بررسی بپردازیم .

سه سال پیش و در اولین مراحل شکلگیری قیام و انقلاب در غرب کردستان و یا همانی که به آن اصطلاحاً کردستان سوریه گفته میشود کمیته کردستان سازمان ضمن ارائه قطعنامه پیشنهادی به کنگره سازمان ضمن تحلیل شرایط اقتصادی - اجتماعی و سیاسی و فرهنگی بخشهای مختلف کردستان و بخصوص غرب کردستان (کردستان سوریه) خواهان حمایت از جنبش توده ای در این بخش کردستان و همکاری با نیروهایی شد که رهبری این جنبش را بعهده گرفته اند . در این تحلیل ما با ارزیابی اینکه در این مرحله از جنبش چنین نیروهایی بطور مشخص PKK و YPG از چه خاستگاه طبقاتی برخوردار بوده و منافع چه قشر اجتماعی را نمایندگی میکنند ، آنانرا انقلابی ارزیابی نموده و خواهان ایجاد اتحاد عملی دموکراتیک با این جریانها در عرصه های عملی جنبش کردستان شدیم . البته چنین موضعی میتوانست و میتواند و خواهد توانست نیروهای اجتماعی کردی که تأثیرات فکری از PKK گرفته اند را در دیگر بخشهای کردستان از جمله شرق کردستان (کردستان ایران) و PJAK را نیز شامل گردد . ما در این مورد تحلیل

مشخص و روشن داده ایم و حرکت های عملی نیز در این خصوص و بعد از تصویب قطعنامه پیشنهادی ما به کنگره پنجم انجام شده است و فعالیت های ما نیز حول ایجاد اتحاد عمل دموکراتیک با نیروهای اجتماعی پرو PKK در تمامی بخشهای کردستان در حال حاضر و در آینده جدی تر و گسترده تر خواهد گردید . انانی که تا دیروز ما را به گرایشات ناسیونالیستی متهم میکردند میبینیم که امروزه و با پیروزیهای جنبش مسلحانه توده ای در عرصه های سیاسی و نظامی در کوبانی بدون نام بردن از نیروهایی که سازمانده و رهبری کننده این جنبش هستند در اطلاعیه ها و بیانیه ها و فراخوانهای متعدد از ان حمایت میکنند . ما به آنچه گفته ایم ایمان داریم و خود را موظف به اجرای ان میدانیم البته برخی کمبودها برای اجرای طرحهایمان وجود داشته که بنا به ویژگی درون تشکیلاتی بودن انها و عدم پرداختن به این مقوله در این بحث اما بایستی در اسرع وقت برطرف شده و در خصوص ایجاد اتحاد عملی دموکراتیک با نیروهای مورد نظر گام برداشت .

و اما در مورد ماهیت خواستها و مطالبات در بخشهای کردستان باز هم تحلیل ما در خصوص لزوم حمایت از مدل غرب کردستان و خود مدیریتی دموکراتیک در این بخش که آنرا در مقایسه با مدل استقرار یافته در جنوب کردستان (کردستان عراق) تحت نام حکومت اقلیم ، دموکراتیک ارزیابی کرده و میبینیم که برنامه دموکراتیک این کانتونها در اداره امور اقتصادی و اجتماعی و سیاسی با آنچه در جنوب کردستان و در طی 23 سال حاکمیت احزاب ناسیونالیستی حاکم بوده کاملاً متفاوت بوده و ما نیز بر جنبه های دموکراتیک این مدل تاکید کرده و



پایه های لرزان حاکمیت و ضعف

رهبری جنبش! (حمید رضا - م)

و هرگونه مطالبات و اعتراضات مردمی با شمشیر مذهب حاکمیت روبرو گردیده و قیامهای اجتماعی از جانب قدرت دولتی سرکوب گردیده است. در سیستمی که 36 سال ارتجاع مذهبی حاکم گردیده، تمامی دستگاههای ارتباط جمعی بایستی حرافیهای رهبر جمهوری اسلامی را نشخوار کرده و بازتاب دهند. سطح فکر و شعور و تصمیم گیری مجلس بایستی از جانب دوازده آیت الله که شش عضو آن مستقیم از جانب رهبر تعیین می شوند، تحت عنوان شورای نگهبان مشخص گردد و عدالت و دادپروری آن آینه تمام نمای بیدادگاههای قرون وسطاست. اما اکنون وضع بگونه ای دیگر است. آن مکتب و فرهنگی که 36 سال پیش آخوندهای خویش را برای فریب فرزندان مردم تربیت مینمود تا آنها را بعنوان گوشت دم توپ راهی جبهه های جنگ ارتجاعی نماید، اینک خریداری در جامعه ندارد و قادر به فریب مردم نخواهد بود. هنگامی که پای صحبت مردم میشینیم، هیچ فردی به سخنان رهبران رژیم باور ندارد. ایران در شرایطی بسر میبرد که توده ها با شنیدن اخبار اعتراضات و راهپیمائیها به خیابانها سرازیر میگردند. و نیروهای سرکوبگر رژیم نیز با گرفتن هر اخبار هرچند کوچک در مورد تظاهرات مردمی بلافاصله با لباس نظامی و تا دندان مسلح آماده سرکوب مردم میشوند. 36 سال فشار و سرکوب فضای جامعه ایران را تا سرحد انفجار پیش برده است. در چنین شرایطی، راهی جامعه از نکبت حاکمیت جمهوری اسلامی در گرو نقش پیشاهنگ انقلابی است. در شرایطی که تمام هراس رژیم از آن است که مبدا

در تعریف رژیمی که در بهمن ماه سال 57 تحت نام جمهوری اسلامی قدرت را بدست گرفت، حرف و حدیث بسیار است. نگاهی به کارنامه 36 ساله این رژیم به اثبات میرساند که یکی از ویژگیهای این حکومت که بخش جدایی ناپذیر از فرمایشیون اجتماعی - اقتصادی آن است، فریب و گزافه گویی همراه با دیکتاتوری و سرکوب افسار گسیخته در چهارگوشه میهنمان سایه شوم خود را گسترده است. اعمال و کردار این رژیم هم اکنون از جانب تمامی اقشار و طبقات توده های مردم ایران و جهان بدقت مورد ارزیابی قرار میگیرد. جار و جنجالهای بیش از سه دهه حاکمیت جمهوری اسلامی که بطور مداوم به گوش همگان رسیده همچون " حزب فقط حزب الله، رهبر فقط روح الله " میرود تا بار دیگر با فریاد پرشکوه مرگ بر دیکتاتوری و مرگ بر استبداد بگور سپرده شود. رژیمی که توانست در جریان قیام توده ها از ضعف رهبری جنبش انقلابی استفاده لازم را برده و خود را بعنوان رهبر به جنبش تحمیل نماید و انقلاب را منحرف کرده و میلیونها توده مردم بپا خاسته را فریب دهد، هم اکنون از آن میلیونها توده مردم مشتکی مزدور جیره خوار برایش باقی نمانده. مشتکی مزدور آموزش دیده در روضه خانه ها، لمپنها و سرمایه داران بازار که تنها خریداران حرافیهای رهبری جمهوری اسلامی میشانند. طی 36 سال حاکمیت سرکوب و دیکتاتوری هر فریاد آزادیخواهی

نیروهای انقلابی کنترل اوضاع را به دست گرفته و با حمایت توده ها رژیم را سرنگون نمایند، اما در واقع نیروهای اپوزیسیون هنوز نیز پراکنده میباشند. اگر قیامها و اعتراضات توده ای چند سال اخیر نویدبخش نقطه قوت جنبش و پیروزی محتوم آنرا میدهد، اما برعکس نبود رهبری یک دست بعنوان آلترناتیو حاکمیت جمهوری اسلامی بخوبی قابل مشاهده است. جنبش انقلابی در ایران بیشتر از هر زمان دیگر به رهبری منسجم نیاز داشته که قادر باشد توده ها را در چهارچوب طرحی مشخص سازمان دهد. اینبار تعلل جایز نیست تا اینکه توده های مردم بدون رهبری و برنامه به خیابانها سرازیر شوند و با رهایی از زنجیر دیکتاتوری، دیکتاتوری دیگر را بر زندگی و سرنوشت خویش حاکم گردانند. در عین حال بایستی پیشاهنگ انقلابی و نیروهای مترقی با بازنگری و نقد عملکرد تاکنونی خویش بطور عملی وارد میدان شوند و به توده ها ثابت نمایند که در کنار آنها هستند و حاضرند در راه آرمانهای والای خویش و سازماندهی توده ها ریسک کرده و تمامی خطرات را به جان بخرند.

رژیم جمهوری اسلامی همانند تمامی رژیمهای سرمایه داری از سازمانیابی و متشکل شدن کارگران در هراس است و با ایجاد فضای ترور و رعب و وحشت صدها کارگر پیشرو را در طول حیات ننگین خویش تیرباران نموده است، هزاران کارگر مبارز و پیشرو را از سرکار اخراج نموده است و به زندان افکنده. بدلیل اینکه بخوبی بر نیروی بنیان برافکن کارگران در زمان حکومت پهلوی و به زانو درآوردن آن رژیم از جانب کارگران واقف است. این رژیم از ایجاد شوراها و کمیته های انقلابی، حمایت کارگران از مبارزات دهقانان، دانشجویان، دانش آموزان و ... آگاه است. به همین خاطر طبقه کارگر را بزرگترین تهدید و خطر برای خویش بشمار میآورد.

ضرورت سازماندهی مبارزات توده ای بر علیه

رژیم جمهوری اسلامی ! (سالار حسامی)



توده ای در کردستان بوده . جنبش رو به گسترش کنونی کردستان تا به

کنون توانایی و ظرفیتهای بسیاری در زمینه سازماندهی از خود به نمایش گذاشته است . اگر چه حرکات کنونی بطور کلی خودبخودی و عموماً پراکنده اند اما وسعت چشمگیر آن نشاندهنده ریشه دار بودن آن و نیروی اراده جمعی توده ها در کردستان است . بایستی با در نظر گرفتن این نقطه قوت جنبش کنونی در کردستان برای ارتقا و گسترش آن گامهای بعدی را برداشت . امروزه در کردستان تمامی اعمال ارتجاعی مزدوران رژیم چه در داخل شهرها و چه در مناطق مرزی کردستان علیه رعب و سرکوب از جانب رژیم با مخالفت و اعتراض توده ها روبرو میگردد و حتی بخاطر کشته شدن زحمتکش کولبر کرد در مناطق مرزی توده ها به میدان آمده و به حرکات اعتراضی اقدام میورزند . این حرکات اعتراضی که امروزه بخوبی قابل مشاهده میباشند و گسترش میابند و در بسیاری مواقع حالت تهاجمی بخود میگیرند ، تنها زمانی قادر خواهد بود توده های کرد را به سوی اهداف و ارمانهایش سوق دهد که جهت و افقی روشن و مشخص را برای خویش متصور سازد و این کار نیز سازماندهی خاص خویش را طلب میکند . رهبری این مبارزه بایستی در عمل انجام شود و هر نیرویی که ادعای رهبری این جنبش را دارد بایستی تنها سازماندهی جنبش توده ای و ایجاد و تشکیل تشکلهای

هم اکنون همچون سایر نقاط ایران در کردستان نیز مبارزات اعتراضی توده ها علیه سیاستهای سرکوبگرانه رژیم در حال گسترش است . فقر ، بیکاری و افزایش شماره کارگران و زحمتکشان به جمعیت بیکار ، سرکوب و میلیتاریزه کردن مناطق کردستان ، فضای رعب و وحشت ، دستگیری و شکنجه و اعدام ، همه و همه ارمانان جمهوری اسلامی برای مردم کردستان بوده و هست . اما پاسخ توده های کردستان به این همه محنت و بدبختی ، مقاومت و مبارزه تا پای جان بوده که تا کنون باعث شکست سیاستهای رژیم در این سرزمین بوده که خلق آن در صدد اعمال اراده خویش بوده اند . واقعیت این است که رژیم جمهوری اسلامی علیرغم تمای تلاشهای ذبونانه و بی نتیجه خویش قادر نبوده تا اراده و خواست انقلابی کردها را در هم بشکند . شهر و روستا و دره به دره و کوه به کوه سرزمین آتش و آفتاب شاهد مقاومت و شهامت خلقی بوده که ارده کرده تا این رژیم را بزانو در آورد . هرچند تاریخ مبارزات مردم کردستان فراز و نشیب فراوانی را از سر گذرانده ، اما در روند رو به پیش خویش نمونه و الگوی عالیترین شیوه مبارزه توده ای بوده و همچون سنگر سرخ آزادی و مقاومت همواره قد برافراشته است . مهمترین عواملی که قادر گردیده تا به امروز تلاشهای رژیم را با شکست مواجه سازد و آنرا در تمامی عرصه ها با عقب نشینی مواجه گرداند ، علاوه بر مبارزه مسلحانه بعنوان سنتی انقلابی در نزد توده های کرد ف تکیه روزافزون بر سازماندهی جنبش

توده ای در شهرها و روستاها را در راس برنامه های خویش قرار داده و با در پیش گرفتن عملی چنین سیاستی است که میتواند مدعی رهبری جنبش توده ای در کردستان گردد . تنها از راه انجام سازماندهی جنبش توده ای و تشکیل و ایجاد تشکلهای توده ای در سطح شهر و روستاها است که میتوان ادعای رهبری بر جنبش توده ای در کردستان و یا هر بخش دیگری را به اثبات رساند . تنها از راه ایجاد و خلق ارتباط مابین مبارزات پراکنده توده ای و سمت و سو دادن به آنها بمنظور به تحقق رساندن آرمانها و اهداف توده هاست که مبارزات اعتراضی توده های مردم ستمدیده قادر خواهد گردید تا به نیرویی چشمگیر در برابر رژیم جمهوری اسلامی تبدیل گردد . ضرورت این کار در اولین مرحله درک اهمیت چنین سازماندهی است . زیرا شرایط عینی چنین حرکاتی وجود دارد . اما تا به اکنون آنطور که بایست به آن اهمیت داده نشده و سازماندهی نشده است . دلیل این مدعا هم نبود تشکلهای مستقل توده ای در سراسر کردستان است که بتواند به شیوه ای یکپارچه و یک دست فعالیت نماید . بیشتر حرکات توده ای در شهرها بدون تشکلهای دمکراتیک و تنها بصورت خود بخودی روی میدهند . این مسئله نه تنها نیرو و توان توده ها را در کردستان به هدر میدهد بلکه فرصتی مناسب را برای رژیم فراهم میآورد تا بعد از تحمل هر ضربه ای از جانب توده ها با سازماندهی جدیدتر و با توان و نیرویی مضاعف تهاجم خود را آغاز نماید و جنبش توده ای را سرکوب نماید . امروزه رژیم جمهوری اسلامی برای اجرای سیاستهای ضد انقلابی خویش دست به هر کاری میزند . امروزه توده های خلق کرد به شیوه

ادامه در صفحه 8

ادامه : مصاحبه نشریه کار درباره اوضاع کردستان و روند مبارزات توده های

زحمتکش کرد در سوریه با سالار حسامی

میکنیم و بر همین اساس است که در سالگرد اعلام کنتونها در غرب کردستان سازمان نیز پیام تبریک به توده های مردم کرد در کردستان بطور عام و بطور اخص توده های مردم کرد در غرب کردستان فرستاد و دستاورد عظیم کردها در غرب کردستان را ارج نهاد. آنچه که امروزه در برخی بخشهای کردستان و از جانب نیروهای فاقد برنامه های دمکراتیک تحت عنوان استقلال مطرح میگردد میتواند از دو جنبه مورد تحلیل قرار گیرد. اول اینکه استفاده تبلیغاتی از آن کرده و به این طریق در صدد تهییج احساسات توده ها گردند تا نیروهای به هیجان آمده را در شرایط کنونی جذب نموده و در آینده به مصاف نیروهای دمکراتیک و بخصوص انقلاب غرب کردستان رفته و آنرا با شکست مواجه کنند. و دوم اینکه سیاستهای این جریانات حاکم در جنوب کردستان در خصوص استقلال بیشتر با سیاستهای امپریالیسم و استراتژی آن در منطقه هماهنگ است تا با اراده و خواست توده های مردم کرد. و این یکی دیگر از وجوه فرق و تفاوت مدل دمکراتیک در کردستان سوریه با کردستان عراق است. خواست و اراده توده ها و عمل نیروهای اجتماعی در این راستا هستند که ما را موظف به اتحاد و مشارکت با آنها در این خصوص میسازد و نه سیاستها و برنامه های دول امپریالیستی و ارتجاعی منطقه. بنابراین با توجه به آنچه ذکر شد ما بر ایجاد اتحاد عمل با جریان PKK و دیگر جریاناتی که از این جریان تاثیر فکری گرفته اند در تمامی بخشهای کردستان با حفظ استقلال طبقاتی خویش تاکید میورزیم و گامهای عملی نیز در این رابطه برداشته

و در آینده نیز با توان بیشتری در اینمورد عمل خواهیم نمود. کار- رفیق سالار سازمان اتحادفدائیان کمونیست خود را یک سازمان پرولتری و کمونیست میداند. ترکیب طبقاتی آن چه در داخل و چه خارج کشور عمدتاً کارگران پیشرو و کمونیست را دربرمیگیرد. هدف آن سرنگونی بورژوازی حاکم و قدرت سیاسی آن چه در پوشش حکومت مذهبی و چه غیر آن و برقراری جمهوری فدراتیو شورائی و استقرار سوسیالیسم در ایران است. سنوال این است که چنین سازمانی از نقطه نظر وظایف پرتاریا در قبال سایر جنبشهای اجتماعی، در این اتحاد عمل ها چه هدفی را دنبال میکند.

پاسخ - این درست است که ما خود را یک جریان پرولتری میدانیم و هدف ما سرنگونی سیستم سرمایه داری حاکم و برقراری حاکمیت پرولتاریا است اما این ناقص فعالیت و تلاش ما برای تحقق مطالبات دمکراتیک دیگر اقشار اجتماعی تحت ستم و بخصوص ملیتهای تحت ستم ساکن در ایران نبوده و نخواهد بود. هدف ما علاوه بر رهایی طبقه کارگر و محور نظام طبقاتی مبتنی بر بهره کشی رهایی عموم خلق تحت ستم است و این زحمتکشان و ملیتهای تحت ستم را نیز شامل میگردد. ماهیت جمهوری فدراتیو شورایی نیز در همین است که علاوه بر شورایی بودن سیستم اداره امور اقتصادی - سیاسی و اجتماعی در برگیرنده تضمین حق تعیین سرنوشت ملل تحت ستم در هر شکل آن حتی تا سر حد جدایی است. علاوه بر اتحادهای طبقاتی برای تحقق خواستها و مطالبات دمکراتیک که هیچ منافاتی با

خواستهای طبقه کارگر نداشته و ندارد ما بایستی وارد اتحاد عملهای دمکراتیک با جریاناتی شویم که در چهارچوب تحلیلهای طبقاتی ما در صف انقلاب جای دارند.

کار - رفیق حسامی حدود شش سال پیش قطعهنامه ای در کنگره سازمان به تصویب رسید که شروط سه گانه ای را برای اتحاد عمل با احزاب و سازمانهای مختلف ملل تحت ستم ایران تعیین و پیشنهاد داده بود. محور اصلی این قطعهنامه این بود که هر جریانی که در مبارزه برای رفع ستم ملی همزمان علیه ستم جنسی و طبقاتی هم جهت گیری کرده و مبارزه کند ما حاضریم با آنها وارد اتحاد عمل بشویم.

در آن زمان جریاناتی با این موضع گیری اعلام موافقت کرده و خواستار مذاکره شدند بطور مثال فرقه دموکرات آذربایجان از جمله آنها بود. اما سازمان وارد مذاکره با آن نشد. سوال این است که در این اتحاد عمل و همکاری مشترک فکر میکنید جریانی مثل پ ک ک. ی. پ. گ. پ. راک..... چه تفاوتی با فرقه دموکرات دارد و تا چه حد با مواضع اعلام شده در قطعهنامه مصوب کنگره چهارم در باره اتحاد عمل و همکاری با جریاناتی که برای رفع ستم ملی مبارزه میکنند همخوانی دارند.

پاسخ - اساس اتحاد عمل ما با جریانات خرده بورژوازی انقلابی بر مبنای تحلیل طبقاتی ما شکل میگیرد. اتحاد عمل دمکراتیک برای رفع ستم ملی از چهارچوبی که برنامه سازمان برای ما روشن کرده و خارج از استقلال طبقاتی هیچگاه مورد نظر ما نبوده و نیست. ما در تحلیلمان جریانات پرو پ - ک - ک را جریاناتی با خاستگاه طبقاتی خرده بورژوازی انقلابی که منافع قشر فقیر و

تهیدست و میانی خرده بورژوازی را نمایندگی میکنند ارزیابی نموده و در مرحله کنونی ما موظفیم با این جریانات حول حل مسئله ملی که در گرو سرنگونی حاکمیت تمامیت خواه و متمرکز گرای کنونی است وارد اتحاد عمل شویم! و اما اینکه چرا با فرقه وارد اتحاد عمل نشدیم بیشتر به جنبه پراتیکی مسئله برمیگردد.

فرقه دمکرات در مقابله با جریانات پان ترکیست و ناسیونالیست افراطی از حد مبارزه تئوریک پافراتر نگذاشته و دچار خرده کاریهایی گشته که میدان را برای گسترش و اشاعه افکار ناسیونالیستی افراطی باز گذاشته است. اما در مورد جریانات پرو پ - ک - ک میبینیم که ضمن ارائه برنامه دمکراتیک اجتماعی - سیاسی زمینه حضور و مشارکت دیگر ملیتها و اقلیتها در اداره امور سیاسی و اجتماعی فراهم گشته است. هم اکنون در صفوف دفاعی نیروهای نظامی و خود مدیریتی کانتونهای کردستان سوریه دیگر ملیتها و اقلیتهای جامعه دوشادوش کردها در حال فعالیت هستند. در ثانی در شرایط کنونی قبلا هم تاکید نمودیم که برای مقابله با مدلهای سیاسی - اجتماعی طرح ریزی شده در منطقه وظیفه ما حمایت از مدل خود مدیریتی دمکراتیک در غرب کردستان است که میتواند کل منطقه را تحت تاثیر خویش قرار داده و تحولات مثبتی را در روند پیشبرد جنبش موجب گردد.

کار - فکر میکنید همکاری مشترک با این جریانات، تا چه حد به روند ارتقاء سطح آگاهی و سازمانیابی توده های کارگر و زحمتکش یاری خواهد رساند؟

پاسخ - همکاری و اتحاد عمل با این جریانات در جهت گسترش و بسط قوانین مصوبه مربوط به برابری حقوق زنان و

مردان و حقوق دمکراتیک توده ها از جمله حق تعیین سرنوشت در قالب کنفدرالیسم دمکراتیک میتواند جنبه ناسیونالیسم و ارتجاع حاکم در منطقه و تفکرات پوسیده و ارتجاعی را به چالش جدی کشیده و طبقه کارگر را در امر جذب متحدین خویش برای مبارزه طبقاتی یاری رساند.

کار - رفیق حسامی به عنوان آخرین سوال ، همانطور که میدانید تاکنون اتحاد های مختلفی مشتمل بر احزاب و سازمانهای چپ و کمونیست ایرانی شکل گرفته است مثل اتحاد چپ کارگری ، اتحاد انقلابی نیروهای چپ و کمونیست که عمدتا یا ناکامی مواجه شده و بعد از سالها تلاش برغم دست آوردهائیکه داشته اما دوام نیاورده اند . اکنون اتحاد دیگری شکل گرفته است که تا کنون سه نشست برگزار کرده و در موارد مختلفی موضع گیریهای مشترک و آکسیونهای متعددی هم برگزار نموده است در شکلگیری این اتحاد ها سازمان فدائیان کمونیست نقش مهمی برعهده داشته است یعنی همواره در جهت پاسخ دادن به ضرورت اتحاد ها و اتحاد عمل ها پیش قدم بود ه و علیرغم موانع متعدد از تلاش کوشش باز نه ایستاده است معهدا هنوز با اهداف منتج از این اتحاد ها فاصله زیادی است با این تجربیات تا چه حد میشود امید وار بود که چنین تلاشهایی با نیروهای مورد اشاره شما به نتیجه مطلوب برسد؟

پاسخ - آنچه که در پایداری و دوام اتحادها نقش اساسی را ایفا میکند پراتیک و کوشش در اجرای مصوبات و یا مواردی است که جریانات بر سر آن متحد گشته اند. صرف اتحاد بر روی کاغذ و یا ارائه تئوری هیچ اتحادی هرچند هم اصولی باشد پایدار و مستحکم نخواهد بود. آنچه که امروزه جنبش و جریانات انقلابی به آن محتاجند

پراتیک است. اساس حقیقت همواره عمل است. جریاناتی که ما بر اتحاد عمل دمکراتیک با آنان اصرار میورزیم به تجربه ثابت نموده اند که به کار عملی ارزش قایل هستند و ما هم در این شرایط حساس کنونی عمل و پراتیک را تنها راه برون رفت از شرایط خفه کننده حاکم میدانیم و با اراده مستحکم درصدد اجرای آنچه هستیم که عمیقا به ان باور داریم.

ادامه ، ضرورت سازماندهی مبارزات

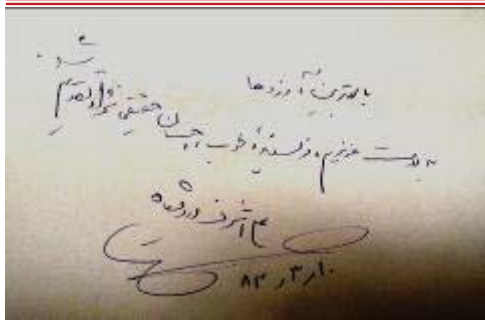
توده ای بر علیه رژیم جمهوری

اسلامی ...

ای گسترده تر تهاجم خویش را علیه رژیم آغاز مینمایند و به گسترش مبارزه اعتراضی خویش علیه حاکمیت اقدام میورزند. به همین خاطر سازماندهی حرکات اعتراضی بیشتر از هر زمان دیگر ضرورت پیدا میکند. ایجاد تشکلهای توده ای در کردستان، چه در داخل شهرها و چه در روستاها وظیفه عاجل و فوری نیروهای انقلابی است. سازماندهی مبارزات کارگران و زحمتکشان شهر، زنان و زحمتکشان روستا در برابر مزدوران رژیم در تشکلهای مستقل توده ای با در نظر گرفتن شرایط خاص جنبش انقلابی کردستان و بکار گیری شیوه های مختلف مبارزه و از جمله عالیترین شکل ان یعنی مبارزه مسلحانه و بسط ان تا فراگیر شدن و تبدیل به مبارزه مسلحانه توده ای تنها ضامن تحقق اهداف و آرمانهای والای جنبش انقلابی خلق کرد است.

(سالار حسامی)

دیداری با شریف سالهای ابری (احسان حقیقی نژاد)



کنیم. قرار دیداری در همان دفتر نشر چشمه با علی اشرف گذاشتیم و با همان داش ممی خودمان رفتیم و چند بسته کاک و نان برنجی خریدیم و بلیط اتوبوس برای تهران گرفتیم. قبل از حرکت از اش پرسیدم: ممی کارتی چیزی همراه داری که پلیس راه یک زمانی پیاده مان نکند؟

دستش را توی جیبش کرد و شناسنامه ش (به قول خودش سچلش) را درآورد و بعد هم دستی پر کمرش برد و یک قمه درآورد. گفت: «هم کارت همراه هم کار» گفتم: «لامصب این چیه! مگه می خواهیم بریم جنگ تن به تن؟!»

گفت: «مرحوم جدم همیشه نصیحتم می کرد که وقت سفر بُرنده و سوزنده و دوزنده همراهات باشه!»

نالان گفت: «آخه ممی! اون مال زمانی بود که با شتر سفر می کردند. آخه برنده و دوزنده...!» «در هر حال از من گفتن و از او نشنیدن. تنها نتیجه ای که حاصل شد این بود که از اش قول گرفتیم که این قداره را تنها و تنها جهت به جای آوردن وصیت مرحوم جد همراهش بیاورد و تحت هیچ شرایطی از آن استفاده نکند. خلاصه، رفتیم و شب را در خانه ی رفیق مشترکی در تهران اتراق کردیم که فردا دم عصرش برویم و علی اشرف شریف خودمان را ببینیم. شب من داشتم داستانی را که همراه آورده بودم برای بار چندم می خواندم تا فردا بدهم به علی اشرف شریف که بخواند و نظر بدهد. داش ممی پرسید: «این چیه؟» «قصدم را برایش گفتم.»

گفت: «پس من هم داستانی می نویسم.» «گفتم:» «الان!» «گفت:» «کاری نداره.» «نشست و نوشت. وقتی در حین نوشتن

رفیق طنز می گوید: «این کرماشانی هاهمه از دم شاعرند! ته صدایی دارند، توی جمع های خصوصی یک دودانگی می خوانند! گاهی دمی به خمره می زنند، چند تا خاطره ی عشقی پر سوز و گداز دارند، یک جایی یک رفیقی حتمن نامردی ای در حقشان کرده و...» «این داش ممی ما هم یکی از همین هاش است. بچه ی ناف تیمچه! هم لوطی گری ها و داش مشتی مآبی های بچه های محله های قدیمی را داره و هم بواسطه ی کتابهایی که تند و پراکنده خوانده کمی روشن فکر مآبانه در پاره ای از مواقع به نظر می رسد! رفیق دوران نوجوانیست، از روزی که می شناختمش با همان قد لاغرش یه ی کتی راه می رفت و دستهایش را بدتر از من موقع حرف زدن تند و تند تکان می داد. توی خانه ی کرماشانی ها جدا از هر باور و فکر حاکم بر خانواده حتمن کتابهای سه نویسنده پیدا می شود. درویشان و یاقوتی و افغانی (البته از افغانی بیشتر شادکان دره ی قرسوآش به خاطر لحن و فضای رمانتیک و عامه پسندش، نه کتاب معروفترش شوهر آهو خانم). درویشان و یاقوتی نویسنده های محبوب ما بودند. منصور توی کرماشان بود و پیدا کردنش سخت نبود. رفتیم و دیدمش و از اش بسیار آموختیم. هنوز هم این دوستی ادامه دارد. درویشان تهران بود. بهار ۱۳۸۳ بود هر دوی ما (من و داش ممی) ۱۹ ساله بودیم. یادم نیامد از کی شنیدیم که علی اشرف شریف روزهای سه شنبه در مرکز فروش نشر چشمه در تهران با علاقه مندانش دیدار می کند. شماره ی نشر چشمه را پیدا کردیم و نمی دانستیم از شادی صحبت با نویسنده ی محبوبمان چکار

نگاهش می کردم می توانی تم حدس بزنی الان در حال نوشتن کجای روایتش است؛ اوج یا گره افکنی؟ انتها یا ابتدا؟ چند ساعتی گذشت و چند ورق را به سویم دراز کرد: «بخوان و نظر بده!»

گفتم: «اسمش چیه؟»

گفت: «بگو اسمشان!»

گفتم: «اسمشان؟!؟!»

گفت: «آخه سه داستانه!»

گفتم: «تو سه داستان نوشتی؟»

گفت: «آره!» «اسمهاشون هم سلول ۱۶، سلول ۱۷ و سلول ۱۹ اس.»

پرسیدم: «پس هیجده ش کجا رفت؟»

گفت: «اونرو خود داشی اشرف!!! که نوشته!»

گفتم: «حالا نمی شد موضوع دیگه ای انتخاب می کردی که داشی اشرف!!! ننوشته باشه؟»

گفت: «هی... تو به اینش چکار داری. بخوان!!»

خواندم و طبق انتظار موضوع سه زندانی بود که هر سه نهایتن اعدام شدند و سرود گویان به مقتل رفتند. گفتم: «خوبه! ولی...» گفت: «بده من ببینم، تو چه از داستان می فهمی؟! ...»

دیدارش از خاطر نمی رود. تا چشم کار می کرد خودش بود! خود خودش! شریف سالهای ابری! با آن عینک کلفت و سبیلهای سفید و چهره ی مهربان. از در که داخل شدیم شناختنش سخت نبود. گرم در آغوشمان گرفت. به دوستانش معرفیمان کرد: «دو

بیاندیش

دندان چرخهای کارخانه

حریصانه

می جود

نیروی کار کارگران را

عباس پشت دستگاه پرس ایستاده است

محمود می دود ،

این سو ، آن سو .

من خود تراشکار جوانی هستم،

(من شکل می دهم به آهن و فولاد)،

من کار می کنم،

و می اندیشم :

چه حکمتی است که محمود ،

هی می دود ؟...

عباس

هی عرق میریزد؟...

چه حکمتی است که

حیدر غلام - ناصر صادق و ...

هی کار میکنیم ،

هی می دویم ،

اما نمی رسیم ؟...

چه حکمتی است که لیلای کوچک من،

می پژمرد گل رویش هر روز ؟

چه حکمتی است که " مسیو "

با آنکه تحت رژیم غدانیست

هی مثل کارخانه ما باد میکند

شکمش گنده میشود

اما نمی ترکد ؟

چه حکمتی است که " مادام " ،

زن مسیو فلان

همان که مثل گربه وحشی،

دو چشم ترسناک و شروری دارد

آزرده می شود از بوی کارگر؟

چه حکمتی است که حاجی ،

(همان که ویسکی اسکاچ میخورد،

همانکه نوکر مستر فلان ینگه دنیایی است)

ادعا میکند :

" من یک وطن پرست مسلمانم

دلیم برای کارگران،

دلیم برای کارخانه ،

دلیم برای اقتصاد ورشکسته کشور ، می سوزد "

من یک تراشکار جوانم

من کار می کنم ،

و می اندیشم ،

تو هم

عزیز ،

برادر ،

رفیق ،

بیاندیش :

دنیا به دست ماست که آباد میشود ،

ثروت ز رنج ماست که ایجاد میشود،

هر کجا ظلم و ستم هست بی گمان ،

از اتحاد ماست که برباد میشود

زنجیر غارت سوداگران ز دست و پای جهان ،

از پتک و داس ماست که آزاد میشود ،

دنیای کارگران نیست این سرای ستم ،

دنیای دیگر نیست که بنیان میشود ...

فدایی خلق سعید سلطانیپور

انگشتهای لاغرش بشود توی چشم می

زد، علی اشرف پرسید:

«براکم تو مذهبی؟» گفت: «نه! خدا نکنه!»

باز علی اشرف پرسید: «لائی؟»

گفت: «ای بابا! داشی اشرف به من میاد؟»

گفت: «این چیه دستت؟»

مکتی کرد و جواب داد: «این یادگار جد

پدريه. اما به احترام شما ديگه هيچوقت دستم

نمی کنم.» درش آورد و انداخت جیب

پیراهنش. (و انصافن هم ديگر هرگز نديدم

که دستش باشد) این را هم بگویم، صندلی ای

که ممی رویش نشسته بود طرف پلکان

بود. یعنی پشت ممی به پله هایی بود که به

سالن فروش پایین منتهی میشد. در حين این

گفتگوها یک بابای سنگین وزنی داشت از

پله ها بالا می آمد. پله ی آخر آمد که پشتی

صندلی داش ممی را تکیه گاه کند که گام

آخر را بردارد که ناگهان کف سرسالن و

داش ممی مگس وزن! صندلی با سرنشینش

سر خورد و داش ممی خورد به میز

و استکان چای و ظرف نان برنجی و همه

واژگون شد. حالا من نمی دانم بخندم یا توی

سرم بزنم! علی اشرف خندید و گفت: پهلوان

کمی محکمتر... از پله ها که پایین آمديم

علی اشرف شريف ۶ جلد داستانهای محبوب

من را براي پشت نویسی کرد به همراه

کتابی در مورد زنده یاد کریم پورشیرازی و

۲ جلد صد سال داستان نویسی در ایران را

هم به همراه زندگی و مبارزات دکتر

هوشنگ اعظمی به داش ممی هدیه

داد. شماره تلفن همان را گرفت بعد هم

دستمان را فشرد و گفت: «بخوانید بخوانیدو

بخوانید!» «عید همان سال مادرم تلفن را

برداشت. گفت: «احسان با تو کار دارند.»

گوشی را گرفتم، صدای مهربانی گفت:

«سال نوت مبارک براکم!»

نویسنده ی بزرگ!! شهرم برای دیدارم آمده

اند! (نمیدانستم هیجان زده باشم، یا از این همه

لطفش شرمنده، که چرا این همه که می گوید

نیستم) نان برنجی و کاک ها را بهش دادیم.

گفت: «برگی از درخت تاقوسان برایم می

آوردید کافی بود. چرا خودتان را زحمت داده

اید!؟» گفت: «یکیش را می برم خانه! یکیش

را می دهم بچه های کانون و یکی دیگرش

را همین جا باز می کنم دوستان نشر چشمه

بخورند.» داشت سعی می کرد که بندی را

که دور بسته ی نان برنجی بسته بودند باز

کند که ناگهان دیدم داش ممی دستش را به

جیب برد. تا آدم کاری بکنم دیدم کارد دسته

شاخش را در آورد و به رسم لوطیان قدیم از

دسته به سمت علی اشرف شریف دراز کرد

و بفرما گفت (که بند را ببرد و رفع زحمت

از باز کردن گره بند دور پاکت های نان

برنجی کند). رنگم پرید. علی اشرف هم! اما

لبخندی زد و به دوستانی که آنجا

بودند، گفت: «بالاخره کرماشانی ها پهلوانند

دیگه!» «دعوتمان کردند و رفتیم طبقه ی بالا

و دور میزی به همراه مریوان حلبچه ای و

رضا خندان نشستیم. چای و نان برنجی هم

آوردند و علی اشرف و رضا خندان

داستانهايمان را خواندند و نظر هم دادند.

(این بخش روایت بماند). در میان همین

گفت و گوها بود که داش ممی خودمان

درآمد و خطاب به علی اشرف گفت: «برادر

تو هم گروهان عموی من بوده، هر دو درجه

دار ارتشند!»

علی اشرف لبخندی زد و گفت: «براکم

هیچکس توی خانواده ی من نظامی نیست.»

اما داش ممی کوتاه نمی آمد. تا اینکه علی

اشرف کوتاه آمد و بناچار پذیرفت. دستهایش

را حین حرف زدن طبق معمول تند و

تندتکان میداد. و انگشتر عقیق دستش که با

نخ آنقدر زیرش را پیچیده بود که اندازه ی

افشای وزیر اطلاعات رژیم جمهوری اسلامی از ترور مخالفان در سالهای اخیر

محمود علوی، وزیر اطلاعات رژیم در مراسم رونمایی از «طرح جامع مسکن حوزه‌های علمیه» در سخنانی با استفاده از اصطلاح پر ابهام «تیر غیب» جزئیاتی از کشته شدن تعداد زیادی از مخالفان مسلح خود بخصوص در منطقه بلوچستان ارایه داد.

به گزارش خبرگزاری هرانا سید محمود علوی، وزیر اطلاعات در «مراسم رونمایی از طرح جامع مسکن حوزه‌های علمیه» در سخنانی که توسط خبرگزاری قوه قضاییه منتشر شده است به ارایه جزئیاتی از فعالیت‌های این وزارتخانه و بخصوص به نحو بی‌سابقه‌ای از مرگ مخالفان مسلح حکومت ایران که او آن را بوسیله «تیر غیب» خواند پرداخت.

وزیر اطلاعات در بخشی از سخنان خود به اقدامات امنیتی و اطلاعاتی این وزارتخانه در داخل و خارج کشور پرداخت و کشته شدن برخی اعضای گروه جیش العدل و دستگیری تعدادی از آن‌ها را از جمله این اقدامات بیان کرد.

علوی گفت: چند ماه پیش عبدالرئوف ریگی از عناصر نظامی جیش العدل و برادرزاده وی در پاکستان هدف «تیر غیب» قرار گرفتند، فردی به نام شیخ ندیم که همراه برادرش ۱۵ شیعه پاکستانی و ۲ مهندس ایرانی را که در شهر کراچی پل ساخته بودند کشته بودند هم، هدف تیر غیب قرار گرفتند.

وزیر اطلاعات رژیم گفت: فردی هم که ۲۰ سال پیش رییس اطلاعات سیرجان را برای نشان دادن بارانداز قاچاقچیان به کوه برده و در لحظه‌ای غفلت از ارتفاع پرت کرده و کشته و به کراچی فرار کرده بود، شناسایی

و قصاص شد.

او ادامه داد که: فردی به نام محمد بزرگزاده که طی سال‌های ۸۷ و ۸۸ پانزده نفر از ماموران انتظامی را « شهید » و به تانزانیا گریخته و با رونق اقتصادی‌اش در این کشور به گروه جیش العدل کمک مالی می‌کرد نیز هدف تیر غیب قرار گرفت.

وزیر اطلاعات گفت: ۵ نفر از گروه جیش العدل هم که قصد داشتند در سفر رییس جمهور به سیستان و بلوچستان، اسکله چابهار را منفجر کنند، شناسایی و دستگیر شدند.

وی یکی از برنامه‌های گروگانگیران شمشیر باز مطرح کشور را انفجار در مشهد در روز عاشورا اعلام کرد و گفت: ۱۰ کیلو مواد منفجره و ابزار و ادوات این گروه هم کشف شد.

وزیر اطلاعات گفت: عوامل ۲ تیم که قصد انفجار در مراسم روز قدس در شیراز و زاهدان را داشتند دستگیر یا کشته شدند.

وی افزود: یکی از عوامل برنامه انفجار در روز قدس در شیراز در عملیات صبح روز قدس کشته و عامل دوم که اهل کشور تونس بود زخمی شد. وزیر اطلاعات تابعیت فرد کشته شده را از کشور مصر اعلام کرد.

علوی همچنین گفت: ۴ نفر از تیمی هم که قصد بمب گذاری در روز قدس در زاهدان داشت در داخل کشور و نفر پنجم آن‌ها در خارج مرز دستگیر شدند.

گفتنی است که علوی این اطلاعات را که به ندرت از سوی وزارتخانه تحت مدیریتش منتشر می‌شود را به بهانه تأثیرات و تحولات منطقه بیان کرد.

رژیم قرون وسطایی جمهوری اسلامی و مزدوران جلادش در تداوم سیاست گسترش فضای رعب و وحشت بمنظور اعمال قدرت پوشالی نظام تا خرخره در بحرانهای لاینحل فرو رفته سرمایه داری، هر روز بر ابعاد جنایت و آدمکشی خویش میافزایند و در میدان سرکوب و اختناق حاکم دستهای مزدوران جلاد این نظام برانزده برای اعمال هر جنایت شنیعی کاملا از جانب سرمداران حاکمیت ترور و خفقان باز نگهداشته شده تا شاید باران رحمت نظام سرمایه داری ولایت فقیهی شامل حال توده های محروم و ستمدیده کشور دربرندمان شود.

رژیمی که از هر سوی درگیر بحرانهای فزاینده و رو به گسترش اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و هزاران هزار معضل دگر است هر از چند گاهی که خویش را در گرداب بنیان بر افکن بحرانهای داخلی و بین المللی میابد به سیاست گسترش فضای رعب و وحشت روی میآورد و هر صدای اعتراضی را در اوج بیرحمی و با آتش سلاح و اعمال قهر ضد انقلابی پاسخ میگوید.

قتل و کشتار نشان از ضعف و درماندگی جمهوری اسلامی در کنترل بحران رو به گسترش و دامنگیر حاکمیت ننگینش است. بی شک تنها پاسخ شایسته و قاطع در برابر قهر ضد انقلابی اعمال قهر انقلابی توسط توده های محروم و ستمدیده است، قهر مادی تنها با قهر مادی سرنگون خواهد شد. شکل و مبارزه آگاهانه تنها رمز پیروزی محرومان است و بس. با تشکیل انجمنها و شوراهای ایالتی و ولایتی اتحاد و انسجام پولادین توده ای و تداوم مبارزه آگاهانه را تا پیروزی بر نظام فاسد و رو به سقوط جمهوری اسلامی را تضمین نماییم.

در گرامیداشت قیام آذربایجان و کردستان در ۲۱ آذر ماه سال ۱۳۲۴

حقوق پایمال گردیده‌های است که بدنبال شکست این دو جنبش، هزاران انسان آزادیخواه و برابری طلب در سراسر ایران برای تحقق آن مبارزه کرده و جان خویش را بخاطر آنها فدا نموده اند و این مبارزه تا به کنون نیز ادامه دارد.

با احترام به یاد و خاطره شهدای قیامهای آذربایجان و کردستان مبارزه خویش را برای سرنگونی ارتجاع حاکم و به تحقق رسانیدن آزادی و برابری گسترش دهیم.

دیکتاتوری، سرکوب و فقدان آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک اجتماعی توده های مردم را در سرتاسر ایران بدنبال داشت. بطوری که پس از گذشت ۶۹ سال میتوان گفت مصوبات برنامه ۳۴ ماده ای پیشنهادی انجمنهای ایالتی و ولایتی آذربایجان و کردستان برای این دو منطقه و سراسر ایران حتی هم اکنون نیز بعنوان

در روز ۲۱ آذر ماه سال ۱۳۲۴ قیام توده های مردم در آذربایجان و کردستان علیه دیکتاتوری حاکم پیروز گردید و برای نخستین بار آزادی احزاب، حق رای زنان، قدرت و حاکمیت انجمنهای ایالتی و ولایتی (شوراها)، آزادی مطبوعات، اتحادیه ها و تشکلهای کارگری در بخشی از ایران به رسمیت شناخته شد که در سرتاسر ایران نمونه آن یافت نمیشد. و طی یک سال چنان در زمینه اقتصادی و فرهنگی و آزادیهای سیاسی تغییر و تحول بوجود آمد که حکومت مرکزی در هراس از گسترش این تغییر و تحولات به دیگر نقاط ایران بدنبال راه چاره ای بود. بخاطر اینکه جنبش انقلابی در این دو منطقه خواهان گسترش دمکراسی و آزادیهای اجتماعی به دیگر نقاط ایران بود و همچون نقطه امیدی برای آزادیخواهان ایران و منطقه بشمار میرفت. و این با منافع تجار، اشراف و فئودالها که از جانب دول امپریالیستی آمریکا و بریتانیا حمایت میشدند و حاکمیت سیاسی آنها در دولت ارتجاعی و کهنه پرست آنزمان متبلور میگشت، به تمامی در تضاد و دشمنی بود. بدوام و گسترش دمکراسی از آذربایجان و کردستان و سرایت آن به دیگر نقاط ایران و کشورهای همجوار باعث گردید تا جبهه متحد ارتجاع سرکوب فوری این جنبش را در دستور کار و برنامه خویش قرار دهد. بدینوسیله پس از گذشت قریب به یک سال جنبش دمکراتیک آذربایجان و کردستان که آغازگر جنبشی انقلابی بود با هجوم ارتش و گروههای مختلف اوباش و چماقداران رژیم سرکوب گردیدند و شکست این جنبشها بدوام

سکوت سنگین نهادهای حقوق بشری در قبال اعتصاب زندانیان سیاسی کرد

علی رغم گذشته بیش از ۱۲ روز از اعتصاب غذای زندانیان سیاسی زندان مرکزی ارومیه، مقامات قضایی جمهوری اسلامی و نهادهای حقوق بشری به سکوت خود ادامه می دهند. به گزارش کمپین بین المللی دفاع از زندانیان سیاسی و مدنی، در ۱۲ روز اعتصاب غذای ۲۹ زندانی سیاسی کرد در زندان مرکزی ارومیه، حال تعدادی از زندانیان اعتصاب کننده مساعد نمی باشد.

این نهاد مدافع حقوق زندانیان سیاسی گزارش کرده که مقامات قضایی آذربایجان غربی به جای پاسخگویی به خواست زندانیان سیاسی، آنها را تهدید کرده و اعلام کرده اند که در صورت پایان ندادن به اعتصاب خود حکم اعدامشان به اجرا گذاشته خواهد شد.

روز ۲۹ آبان ماه ۲۹ زندانی سیاسی کرد که حکم برخی از آنان نیز اعدام می باشد، در اعتراض به "انحلال بند زندانیان سیاسی" و فشارهای وزارت اطلاعات و نهادهای امنیتی بر زندانیان و خانواده هایشان دست به اعتصاب زدند.

منبعی در گفتگو با کمپین اظهار داشته که "روز ۱۰ آذر ماه ۱۳۹۳، مدیر زندان به همراه ۵ سرباز وارد اتاق یک بند ۱۲ زندان ارومیه شده و پس از بازرسی وسایل شخصی زندانیان، دفترچه‌های تلفن و یادداشتهای خصوصی آنها را ضبط کرده و با خود بردند." بیشتر تعدادی دیگر از زندانیان سیاسی کرد و غیر کرد در زندان های سنج و زاهدان با انتشار بیانییه ای از زندانیان اعتصابی ارومیه اعلام پشتیبانی کرده بودند. در این بیانییه زندانین هشدار داده بودند که در صورت عدم رسیدگی به خواست زندانیان سیاسی ارومیه آنها نیز دست به اعتصاب خواهند زد.

سکوت مقامات قضایی جمهوری اسلامی در حالی است که تا کنون هیچ یک از نهادهای بین المللی مدافع حقوق بشر نیز واکنشی نسبت به اعتصاب این زندانیان از خود نشان نداده اند. همچنین طی روزهای گذشته مقامات قضایی یکی از زندانیان اعتصابی محکوم به اعدام به نام "منصور آروند" را پس از انتقال به سلول انفرادی، به زندان مرکزی مهاباد منتقل کردند. هم‌اکنون ۴۵ زندانی سیاسی کرد در زندان مرکزی ارومیه در حال سپری کردن دوران محکومیت خود هستند. منابع خبری کمپین گفته‌اند که ۱۰ نفر از این زندانیان محبوس در ارومیه، محکوم به اعدام هستند.

لیست کامل این زندانیان و احکام آنان

۱. علی افشاری (اعدام)، ۲. جعفر افشاری (۵ سال)، ۳. ولی افشاری (۵ سال)، ۴. حبیب افشاری (اعدام)، ۵. مصطفی داوودی (۱۰ سال)، ۶. کیهان درویشی (۳ سال)، ۷. شیرکو حسن‌پور (۵ سال)، ۸. محمد عبداللهی (اعدام)، ۹. خزر رسولی‌راد (۵ سال)، ۱۰. سامان نسیم (اعدام)، ۱۱. امیر ملانوست (۴ سال)، ۱۲. سیروان نژادی (اعدام)، ۱۳. جعفر میرزایی (۶ ماه)، ۱۴. ابراهیم رضابور (اعدام)، ۱۵. محمد عبدالنخت (۲ سال)، ۱۶. عبدالله اصغری (۶ ماه)، ۱۷. عرفات اصغری (۶ ماه)، ۱۸. علی احمد سلیمان (اعدام)، ۱۹. سپیدسامی حسینی (اعدام)، ۲۰. عبدالله حمودی (بلاتکلیف)، ۲۱. احمد تمویی (۱۵ سال)، ۲۲. عثمان مصطفی‌پور (۳۴ سال)، ۲۳. بهروز آخانی (اعدام)، ۲۴. مصطفی علی احمد (۱۱ سال)، ۲۵. یوسف کاکهممی (۹ سال)، ۲۶. سیجیال محمدی (اعدام)، ۲۷. علیرضا رسولی (۳ سال)، ۲۸. شورش افشاری (۵ سال)، و "منصور آروند (اعدام) که وی چند روز پیش به زندان مهاباد تبعید شده است."

افق‌رهای زنان در غرب کردستان

23- وظیفه مدیریت خودگردان دمکراتیک می باشد بیمه سلامت و اجتماعی برای فرد و خانواده علل خصوص زنان و کودکان را مهیا سازد و بنیان حیاتی آزاد، شرافتمندانه و حفاظت شده را برای زنان بیوه و مسن فراهم سازد.

24- ازدواج دختران زیر سن 18 سالگی ممنوع می باشد.

25- زنان حق حضانت فرزندان را دارند، تا زمانی که فرزند وی به سن 15 سالگی را در صورت ازدواج دوباره نیز دارا می باشند و حق انتخاب والدین نیز بر عهده فرزند آنان می باشد و هر دو طرف در زمان حضانت وظیفه تامین مسکن و هزینه های مادی او را بر عهده دارند.

26- در زمان سفر کردن کودکان زیر 15 سال باید از والدین اجازه بگیرد.

27- در کیس های مرتبط به زنان و خانواده در دادگاه، باید یک نماینده مرکز زنان برای مشاوره حضور داشته باشد، اما حق رای دادن را دارا نمی باشد.

28- زنان حق حضانت همراه با حقوق مادی را داشته و تا 3 بار می تواند زایمان کند.

29- در زمان طلاق، زن حق تملک بر نقدینگی های از قبیل طلا و هر مادیات دیگری دارا می باشد که در زمان ازدواج همراه داشته و اگر نزد همسر او باشد باید پس گرفته شود.

30- وظیفه مدیریت خودگردان دمکراتیک است، که مرکز ویژه زنان مورد خشونت قرار گرفته در زمان حاملگی یا شیردهی را دایر کند و باید مکان مطلوب وضعیت زنان مورد خشونت قرار گرفته باشد.

غرب کردستان و کانتون جزیره با تصویب و اجرایی کردن قانون مربوط به حقوق پایه

ای زنان تمامی تفکرات ارتجاعی و پوسیده در جوامع مردسالار منطقه و جهان و سیستمهای سیاسی طبقاتی حاکم در منطقه و احزاب و جریانات خواهان حفظ نظم حاکم را به چالش کشیده و افقی روشن را در برابر دیدگان پویندگان آزادی و برابری

گشود. بر تمام مردان و زنان تحت ستم است تا با الهام گرفتن از مبارزه و اراده آهنین زنان و مردان غرب کردستان در فراگیر کردن قوانین برابری زن و مرد بکوشند.

اشنویه - ح

فراخوان حمایت از زندانیان سیاسی اعتصابی زندان ارومیه

اکنون بیش از 16 روز است که ۳۰ نفر از زندانیان سیاسی زندان مرکزی ارومیه در اعتراض به عدم رعایت اصل تفکیک جرایم در نگهداری زندانیان و تراکم بیش از ظرفیت از روز پنجشنبه ۲۹ آبان ماه دست به اعتصاب غذا (تر) زده اند. این زندانیان اعلام کرده اند که تا رسیدن به خواست هایشان به اعتصاب غذا ادامه خواهند داد.

بنا به گزارش منتشره از سوی فعالان حقوق بشر، درحالیکه ظرفیت بند ۱۲ (بند زندانیان سیاسی) زندان مرکزی ارومیه شامل ۵۰ زندانی است اما در حال حاضر ۸۰ زندانی را در خود جا داده است. ۵۰ نفر از زندانیان این بند دارای جرایم خطرناک مانند مواد مخدر و قتل هستند. مسولان این زندان طی روزهای گذشته تعدادی از زندانیان با جرم های قتل و مواد مخدر را به بند ۱۲ فرستاده اند. همچنین تعدادی از زندانیان سیاسی جدید به جای آنکه به بند ۱۲ که متعلق به زندانیان سیاسی این زندان است فرستاده شوند به بند زندانیان جرایم خطرناک منتقل شده اند. روشن است که پیش گرفتن چنین رفتاری با زندانیان سیاسی در زندان مرکزی ارومیه نیز به منظور آزار و اذیت و فشار مضاعف بر زندانیان سیاسی طراحی و بمورد اجرا گذاشته شده است. پرکردن سالنهای زندانها چندین برابر ظرفیت آنها، اعزام زندانیان عادی با جرایم قتل و قاچاق به داخل سالنهای زندانیان سیاسی که خود قربانیان نظم حاکم هستند و سپس تحریک و انداختن آنها به جان زندانیان سیاسی از جمله سیاستهای افشا شده رژیم جمهوری اسلامی است که قبل از این در زندانهای دیگر به کار گرفته شده و با مقاومت زندانیان مواجه شده است.

اکنون که زندانیان سیاسی زندان مرکزی ارومیه در مواجهه با این سیاست ضد بشری جمهوری اسلامی دست به اعتصاب غذا بعنوان شکلی از مبارزه و مقاومت در زندان، زده اند، جادارد هم از سوی سایر زندانیان سیاسی در نقاط مختلف ایران و نیز افکار عمومی مورد پشتیبانی قرار گرفته و از خواست های آنها حمایت شود. ماضمن پشتیبانی از مقاومت زندانیان سیاسی زندان مرکزی ارومیه همه احزاب سازمانها و انسانیهای آزادیخواه را به پشتیبانی از اعتراضات و خواست های زندانیان سیاسی زندان مرکزی ارومیه فرامیخوانیم.

سرنگون بادرژیم جمهوری اسلامی

برقرارباد جمهوری فدراتیو شورائی

زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحادفدائیان کمونیست

پانزدهم آذر 1393



انتقاد و انتقاد از خود بشیوه کمونیستی سلسله گفتارهایی از رادیو صدای فدائی خطاب به هسته های سرخ - خرداد ۱۳۶۴

شیوه های عملی انتقاد در تشکیلات

کمونیستی

در بحث های گذشته روشن کردیم که انتقاد و انتقاد از خود در تشکیلات کمونیستی وسیله ای است برای فراروئی از یک وضعیت به وضعیت متکامل تر ، برای تغییر و تحول اندیشه و عمل ! گفتیم انتقاد اهرم رشد و شکوفائی است ، ابزاری است برای برطرف ساختن اشتباهات و تکمیل و تصحیح خط و مشی ، شیوه ها و روش های انقلابی ! انتقاد عامل پالایش سازمان سیاسی پرولتاریا و وسیله ایست در خدمت رهایی طبقه ی کارگر .

حال ببینیم چنین انتقادی چگونه امکان پذیر است و از چه طریقی باید پیش برده شود . ببینیم انتقاد به مثابه یک عامل تحول بخش چگونه باید صورت پذیرد تا بهترین دستاوردها را به بار آورد و گذار به وضعیت رشد یابنده ای را در تمامی زمینه ها فراهم سازد .

اما قبل از آنکه این زمینه ها را مشخص کنیم باید همانگونه که قبلا هم اشاره کردیم ، بار دیگر مشخصا تاکید نمائیم پیش شرط اینکه بتوانیم انتقاد و انتقاد از خود را به یک امر تحول بخش در تشکیلات کمونیستی تبدیل نمائیم ، باید به مسئله انتقاد به صورت یک امر سیستماتیک بنگریم . باید بدانیم دستیابی به شیوه های کمونیستی انتقاد ، اولاً امر افراد نیست ، همان گونه که استقرار انضباط پولادین و ایجاد نظم پرولتاریائی

نیز با تلاشهای این یا آن عضو تشکیلات قابل حصول نخواهد بود . ثانیاً در تشکیلاتی که شیوه ی کمونیستی انتقاد در آن هنوز به صورت یک سیستم درنیامده است ، از جانب افراد نیز نمی تواند شیوه های کمونیستی انتقاد به کار گرفته شود .

پس این وظیفه ی هسته های سرخ ، تشکیلات محلی و کمیته های منطقه ای است که امر انتقاد را درچارچوب مشخص آن به یک وظیفه ی بسیار پر اهمیت و اساس کار خود تبدیل کرده ، تشکیلات و اعضا تحت آموزش خود را در جهت ایجاد یکی سیستم کاملاً منسجم و ارگانیک هدایت و رهبری نمایند .

ما بکرات و در موارد متعدد از رفقای تشکیلاتی و مسئولین بخشهای مختلف تشکیلات می شنویم که به فرض می گویند ؛ کارد نداریم ، ادم ورزیده و با تجربه نداریم ، نیروی سازمانگر و هدایت کننده نداریم ، نویسنده و گزارشگر ورزیده نداریم و قس علیهذا . این رفقا متأسفانه هیچ گاه نمی گویند کادر چگونه تربیت می شود ، چگونه پرورش می یابد و چطور باید خود را اصلاح کند . واقعیت این است که هیچ کادری از آسمان نازل نمی شود .

فقط با آموزش ایدئولوژیک ، پرورش سیاسی و از طریق انتقادات اصولی و سیستماتیک و ادامه دار است که کارگر عضو یا پیش عضو تشکیلات و روشنفکر انقلابی کمونیست می تواند به یک کادر ورزیده کار آمد و متعهد به خصوصیات ، اخلاق و اهداف و شیوه های کمونیستی پرورش یابد .

بسیاری از رفقای مسئول ما در نظر نمی گیرند که آموزش یه چیز است و پرورش چیز دیگری هر آموزش یافته ای را باید به شیوه های کمونیستی عادت داد ، پرورش

داد و به یک کادر باتجربه تبدیل کرد . در دوران انقلابی کنونی که هزارها و دهها هزار کارگر و روشنفکر مشتاق کمونیسم بسوی ما روی می آورند ، فقط در صورتی ما می توانیم هر یک از آنها را به یک کادر ورزیده جنبش تبدیل کنیم که آنان را به صورت سیستماتیک وزیر آموزش ارگانیک و همه جانبه تشکیلات بگیریم .

باید توجه داشت که انقلاب ، خود بهترین آموزشگاه است . آنچه که کمونیستها در ایران دهها سال منتظرش بودند امروزه و در نتیجه تحولات دوران انقلابی کنونی خود بخود مهیا شده است . نیروهائی که طی این دوران پرتلاطم انقلابی بسوی تشکیلات کمونیستی روی آورده اند ، چنانچه در سیستم ارگانیک تشکیلات ما پرورش نیابند و خود را به ایدئولوژی مارکسیستی مجهز نسازند و روش ها و شیوه های کمونیستی را فرا نگیرند ، نیروهائی خودرو باقی خواهند ماند و هیچگاه نمی توانیم مدعی باشیم که به تشکیلات با کادرهائی مجرب دست یافته ایم .

پس رفقای مسئول ما و همچنین کلیه هسته های سرخ باید بدانند این سیستم است که می سازد ، این ارگانسیم است که پرورش می دهد . راه مقابله با ضعفهای تشکیلاتی این نیست که با اعتقاد بر بی تجربگی و عدم توانائی نیروها ، همه کارها را بر دوش کادرهای مجرب بریزیم و هرگونه مسئولیتی را در یک یا چند واحد حزبی متمرکز نمائیم .

برای ایجاد بهترین تمرکزها و عالی ترین انسجام درون سازمان سیاسی طبقه کارگر ، همانقدر که در بالا تمرکز لازم است ، در پائین تشکیلات باید عدم تمرکز وجود داشته باشد . باید به افراد مسئولیت داد و از آنان مسئولیت خواست . هرگونه انتقادی نیز باید

شیوه های عملی انتقاد در تشکیلات کمونیستی...

در چارچوب همان مسئولیت تشکیلاتی که به افراد واگذار می شود صورت پذیرد . باید روابط فرد با فرد را به روابط تشکیلات و فرد تبدیل کرد . حتی در سخت ترین شرایط خفقان و سرکوب که پنهان کاری به یک اصل مسلم و تخطی ناپذیر تبدیل می شود . یعنی در شرایطی که هرگونه ارتباط تشکیلات با افراد عضو و پیش عضو تشکیلات بصورت فردی صورت می گیرد . باید از طریق ایجاد یک سیستم گزارش گیری و گزارش دهی ، چنین ارتباطی را به یک سیستم ارگانیک تشکیلاتی تبدیل نمود . آنگاه که ما به نیروهائی که بسوی تشکیلات روی می آورند مسئولیت واگذار نکنیم ، نه تنها هرگز نقاط قوت و ضعف آنها را نخواهیم شناخت ، بلکه برای خود این افراد نیز این قوت و ضعف مشخص خواهد شد . پس طبیعی خواهد بود که در چنین صورتی به انتقاد سازنده و تصحیح کننده نیز قطعاً و ابداً دست نخواهیم یافت . بدون ایجاد چنین سیستمی ، هرگونه صحبت به میان آوردن از شیوه های کمونیستی انتقاد حرف پوچ و بی اساسی خواهد بود .

وقتی می گوئیم دوران کنونی دوران حزبیت ، دوران گذار از مرحله ما قبل حزبی و دوران فراروئی به زندگی حزبی است ، و دوران ایجاد حزب کمونیست طبقه کارگر مطرح است ، پس باید در درجه اول اصول و روشهای کمونیستی را جایگزین شیوه های ما قبل حزبی دوران کهن نمائیم . رفقای ما باید مطمئن باشند که شرایط کنونی ایران ، دیگر با کادرهای خودساخته و پرورش یافته ی دهه ی چهل روبرو نخواهند بود . در اعتلای جنبشهای توده ای

سروکار جنبش با نواغ و برگزیده ها نخواهد بود . اگر به آثار ارزنده ترین نویسندگان دوره های پیش از مارکس مراجعه کنید ، با نواغی سروکار پیدا خواهید کرد که نه محصول کار سیستماتیک در یک تشکیلات انقلابی بلکه محصول نفی آگاهانه نظام فئودالی و یا بورژوازی هستند . قهرمان " چه باید کرد " چرنیشفسکی ، نمونه ی بارز و تمام عیار یک انقلابی پرشور و پر استقامت است . اما قهرمانان داستانهای فادایف هزاران هزار افراد گمنامی هستند که در هر کارخانه و در هر مزرعه و محله با شور انگیزی زائد الوصف کمونیستی و انقلابی در تشکیلات کمونیستی حزب بلشویک پرورش یافته و با ایمان به اهداف پرولتاریا در نبرد دائمی با نظامهای استثمارگر و امپریالیسم قرار دارند .

در ایران ما نیز آنگاه که دوران ماقبل حزبی به پایان رسیده و عصر حزبیت و انسجام سیستماتیک سازمان رهبری کننده و هدایت کننده ی طبقه کارگر در شرف استقرار است ، دیگر نواغ و کادرهای با تجربه را باید با پرورش در تشکیلات کمونیستی جستجو کرد . این یک درک ذهنی و کاملاً مکانیستی است هرگاه بخواهیم بدون ایجاد یک سیستم ارگانیک در تشکیلات کمونیستی ، خواستار پرورش کادرهای ورزیده باشیم .

امروز کادرهای ورزیده متعهد ، نویسنده مجرب و مالا مال از شور و شوق انقلابی و با ایمان به آرمان کمونیستی را باید با شیوه های سیستماتیک آموزش و پرورش ایدئولوژیک - سیاسی و به کارگیری اصولی شیوه های انتقاد و انتقاد از خود کمونیستی در درون تشکیلات پرورش داد . حال که روشن شد امر انتقاد و انتقاد از خود

در یک تشکیلات کمونیستی می بایست به یک سیستم ارگانیک در کل تشکیلات تبدیل شود ، باید ببینیم اولاً خود این امر چگونه امکان پذیر است و ثانیاً شیوه ی عملی انتقاد و انتقاد از خود کمونیستی چگونه و از چه طریق با هدایت تشکیلاتی به عامل تحول بخش تبدیل می گردد .

اساساً هرگونه درکی که بخواهد ابتدا تشکیلات کمونیستی را با شیوه های کمونیستی سیستماتیزه نموده و سپس به آموزش و پرورش کادرهای خود بپردازد ، همان قدر اشتباه است که اول بخواهد کادرهای خود را تربیت کند و بعد تشکیلات را بسازد . آن تفکری که اول به دنبال تشکیلاتی مجهز به تکامل یافته ترین شیوه های کمونیستی می گردد تا نیروهای کمونیستی را در آن غسل تعمید دهد ، همان تفکر مکانیستی است که تلاش می کند با پرولتریزه کردن خود و دست زدن به یک سری ادا و اصول نمایشی خود را یک کمونیست تمام عیار و عاری از هرگونه ضعف و اشتباهی قلمداد کند .

پس همانگونه که گفته شد ، دستیابی به شیوه های کمونیستی انتقاد مستلزم ایجاد آنچنان سیستمی است که در عین آموزش و پرورش کادرها به تدریج خود تشکیلات را نیز از پایین ترین واحدهای حزبی یعنی هسته های سرخ تا بالاترین ارگانهای حزبی در جهت حفظ و استقرار چنین سیستمی هدایت نموده

با کمک های مالی خود سازمان اتحاد فدائیان کمونیست را یاری رسانید.

ریگای گه ل ارگان کمیته کردستان سازمان اتحاد
فدائیان کمونیست
اعضای تحریریه :
سالار حسامی ، حمید رضا - م ، اشنویه - ح
احسان حقیقی نژاد .
مسئول اجرای و صفحه بندی :
سالار حسامی

برای تماس با سازمان اتحاد فدائیان کمونیست با یکی از
آدرسهای زیر تماس بگیرید :
شماره پیامگیر
+46 738924823
روابط عمومی
webmaster@fedayi.org
کمیته کردستان
Kurdistan@fedayi.org
کمیته تهران
Tehran@fedayi.org
کمیته کرج
karaj@fedayi.org
کمیته آذربایجان
azer@fedayi.org
کمیته امور پناهندگی
panahjo@fedayi.org
ریگای گه ل در فیس بوک
Www.facebook.com /regaygal
فدائیان کمونیست در فیس بوک
www.facebook.com /فدائیان کمونیست

آخرین انتشارات سازمان اتحاد فدائیان کمونیست را از
سایت های زیر دریافت کنید .

Www.kare-online.com
Www.fedayi.org
www.azerfedayi.org

و در تمامی زمینه های سیاسی -
ایدئولوژیک ، تشکیلاتی و روش برخورد با
کلیه مسائل تشکیلات کمونیستی درک
واحدی را ایجاد نماید . به عبارت دیگر تنها
این کافی نیست که مثلا یک تشکیلات
برنامه واحدی را پیش روی انقلاب گذاشته
باشد . این برنامه جدا از آن که باید با
واقعتهای اجتماعی کاملا همساز باشد ، تنها
و در صورتی می تواند به یک برنامه جدی
و عملی در درون تشکیلات و نیروهای
پیشبرنده ی آن تبدیل شود که تمامی
ارگانهای مختلف تشکیلاتی ، حوزه های
حزبی ، هسته های سرخ و خلاصه کلیه ی
کادرها و نیروهای تشکیلات این برنامه را
عمیقا درک نموده ، تمامی وجوه آن را
بشناسند و در زمینه های فعالیت خود ، آن
را عمیقا به کار بندند و در عین حال زمینه
های تحول و تکامل آن را فراهم سازند .
تنها عامل برای ایجاد چنین اراده ی واحدی
صرفا از طریق انتقادات اصولی و
کمونیستی امکان پذیر است .
انتقاد در تشکیلات کمونیستی در سه زمینه
ی اساسی از اهمیت درجه اول برخوردار
است :

1 - سیاسی - ایدئولوژیک
2 - تشکیلاتی
3 - رشد و شکوفائی خصوصیات و
خصائل کمونیستی
این سه زمینه اگر چه با یکدیگر ارتباط
لاینفک دارند و به هیچ وجه قابل تفکیک از
هم نیستند اما برای درک روشن تر از قضیه
بهتر است هر مورد را جداگانه بررسی
نموده و سپس ارتباط آنها را با یکدیگر
روشن نمائیم . بحث حول این سه زمینه
انتقاد را در قسمت های بعد دنبال می کنیم .